



# مرزهای ایران در دوران تاریخ

چاپ دوم

دره میرحیدر  
دانشیار دانشگاه تهران

شورای عالی فرهنگ و هنر  
مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی

۳۹

تجدید چاپ وسیله اداره روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشستاران

با اجازه شورای عالی فرهنگ و هنر





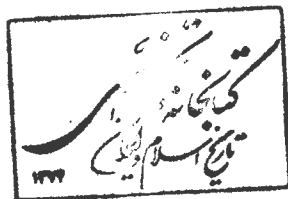
# اسکن شد

آموزش فرهنگ میهنی

## مرزهای ایران در دوران تاریخ

دوره میرحیدر

دانشیار دانشگاه تهران



شورای عالی فرهنگ و هنر

مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی

۳۹

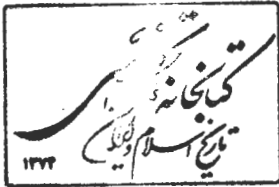
تجدید چاپ وسیله اداره روابط عمومی ستاد بزرگ ارتش ایران

با اجازه شورای عالی فرهنگ و هنر

این کتاب در ۳۰۰۰ نسخه در فروردین ماه ۲۰۳۶

در دسترس است.

رسیده است .



## توضیح و تذکار

بفرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و بنا بر تصمیمات متخذة درششمین وهفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی وابسته به شورای عالی فرهنگ و هنر مأموریت یافت که بعد از مطالعات و بررسیهای لازم در زمینه آموزش فرهنگ میهنی بتعیین میزان و برنامه مواد درسی در این راه پرداخته متون مورد احتیاج را تهیه وتدوین نماید تا هم در نخستین سال دانشگاههای کشور مورد استفاده قرار گیرد وهم بتوان با استفاده از آنها در سطوح پایین تر آموزشی مطالب مورد لزوم را در تعلیم فرهنگ میهنی فراهم آورد. بر اثر مطالعات و بررسیهایی که انجام گرفت بیست ونه موضوع ذیل برای تهیه مطالب لازم در بیست ونه رساله مستقل انتخاب گردید که رساله حاضر یکی از آنهاست. بخواننده گرامی پیشنهاد می شود همه رسالاتی را که در این راه با شماره (۳۹) فراهم و بتدریج منتشر می شود نگهداری و بموقع بترتیب ذیل مرتب کند و در یک مجلد جمع نماید:

- ۱- تاریخ شاهنشاهی ایران و مقام معنوی آن
- ۲- پیوستگی آیین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایرانیان
- ۳- کوشش وجانبازی ایرانیان برای پاسداری آیین شاهنشاهی ایران
- ۴- روستانشینی در ایران
- ۵- زندگی روزمره ایرانیان در خلال روزگاران

- ۶- نگاهی به تاریخ ایران
- ۷- علل و زمینه‌های پیروزیها و شکستهای ایرانیان
- ۸- سیری در تاریخچه روابط ایران با جهان از آغاز تا امروز
- ۹- فرهنگ ایران در برخورد با فرهنگهای دیگر
- ۱۰- بزرگان ایران در دوره نخستین اسلام
- ۱۱- سیر تاریخی و اجتماعی شاهنشاهی ایران
- ۱۲- مرزهای ایران در دوران تاریخ
- ۱۳- ثروت‌ها و برکتهای سرزمین ایران
- ۱۴- سهم فرهنگ ایران در پیشرفت بشریت
- ۱۵- استمرار فرهنگ ساسانی در دوران اسلامی و علل و عوامل آن
- ۱۶- هنرهای ایرانی و آثار برجسته آن
- ۱۷- آداب و رسوم ملی ایران
- ۱۸- ایران امروز
- ۱۹- خدمات دودمانهای شاهنشاهی ایران
- ۲۰- سیری در تاریخ زبانها و ادب ایرانی
- ۲۱- همبستگی و یگانگی ملی ایرانیان
- ۲۲- شناخت ملت ایران (نبره‌های ایرانی - خانواده و جامعه ایرانی) و ویژگیهای آن
- ۲۳- تقدس سرزمین ایران در آیین ایرانی
- ۲۴- بستر جغرافیائی تاریخ ایران
- ۲۵- شناسایی سرزمین ایران با توجه به زیباییها و ویژگیهای آن
- ۲۶- پایتخت‌ها و شهرهای نامی و تاریخی ایران و نقش آنها در تاریخ و فرهنگ سرزمین ایران
- ۲۷- پیوند زندگی و تاریخ و فرهنگ ایرانی با سرزمین ایران
- ۲۸- ویژگیهای فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در وحدت و استقلال ملی ایرانیان
- ۲۹- جنبش‌ها و فعالیت‌های فکری و دینی ایرانیان
- نکته مهمی که باید درباره این رسالات بدان توجه داشت آنست که تهیه ردیف‌های ۱۹-۲۲-۲۵-۲۶-۲۷- وسیله شورای عالی فرهنگ و هنر در دست تهیه می‌باشد.

آنها بقصد آموزش فرهنگ میهنی انجام گرفته است نه بعنوان پژوهشی در این راه، زیرا بدیهی است که پژوهش در اینگونه مسائل هم نیازمند وقت و نیروی انسانی بیشتر است و هم نتایج آنها را نمی‌توان در صفحاتی چنین محدود گنجانید. این جزوه‌های تعلیمی در حقیقت بمنزله «طرح مطالب در باره آموزش فرهنگ میهنی» و بحثی مقدماتی راجع به آنهاست. درستست که بعضی از همکاران ارجمند در بحث خود از حدود طرح موضوع فراتر رفته و تا حدی در شرح مطالب بتفصیل گراییده‌اند، لیکن غالب همکاران دیگر حدود اختصار را در این راه نگاه داشته و جانب آنرا رعایت کرده‌اند تا کثرت تعداد صفحات، امر یادگیری را برای دانشجویان دشوار نسازد.

مقصود ما از طرح این مطالب در راه آموزش فرهنگ میهنی آنست که به اهل پژوهش و تحقیق، خاصه باستانی که عهده دار تدریس این مطالبند فرصتی داده شود تا موضوعات را بر حسب اطلاع خود مجدداً بررسی کنند و اگر نتایج بهتری از بررسی‌های خود یافتند آنرا بصورت جزوه‌های کاملتری عرضه دارند تا این موضوع بسیار تازه و جالب بتواند جای خود را چنانکه باید در میان مواد درسی دانشگاهی ما بیابد.

مطالعی که در رسالات حاضر جمع آمده چندان زیاد و دامنه بحث در آنها چنان وسیع است که متأسفانه نتوانستیم با همه کوششهای خود آنها را در صفحات محدود بگنجانیم، خاصه که مقصود ما در تهیه این جزوها طرح مطالب بود نه تدوین آنها بصورت کتابهای درسی موجز، بنابراین از استادان و معلمان ارجمند انتظار می‌رود که کیفیت تلخیص مطالب این رسالات را به دانشجویان بیاموزند و خود نیز من باب راهنمایی خلاصه‌هایی از آنها برای یادگیری دانشجویان ترتیب دهند تا مقصود از شناخت فرهنگ میهنی در آموزش عالی بهتر و سریعتر حاصل گردد.

**مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی**  
**شورای عالی فرهنگ و هنر**



انتشار جزوات مربوط به آموزش فرهنگ میهنی از سوی شورای عالی فرهنگ و هنر ، فرصتی بدست داد تا با تجدید چاپ و تکثیر آنها گامی در جهت آگاهی بیشتر پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی در زمینه فرهنگ ملی برداشته شود .

جزوه اخیر همراه با ۲۴ جزوه دیگر شامل مسائل و موضوعات مختلف که در مجموع بمنظور آموزش فرهنگ میهنی در اختیار یگانهای نیروهای مسلح شاهنشاهی قرار میگیرد ، میتواند راهگشای علاقمندان ، پژوهشگران بویژه افسران جوان در زمینه شناخت و بررسی ویژگیهای فرهنگی ، ملی و تاریخی ایران باشد .

**اداره روابط عمومی**  
**ستاد بزرگ ارتشتاران**

کشور ایران با وسعت امروزی آن ( معادل ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع )  
بخش کوچکی از امپراطوری عظیم ما را در گذشته تشکیل می دهد . با ورق زدن تاریخ  
۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران ، این موضوع به خوبی روشن می شود که کشور ما در  
طی تاریخ بارها مرزهای خود را تغییر داده و نوسان این تغییر به حدی بوده که  
گاهی تمامی فلات ایران و حتی فراتر از آن را در زیر نفوذ داشته است . ( نقشه های  
۲۵ ) در حالیکه گاه دیگر نفوذ حکومت ملی فقط به بخش کوچکی از فلات ایران  
منحصر می شده است . از این تغییر و تحول های ارضی دو نتیجه می توان گرفت ،  
اول اینکه ، هرگاه ثبات مرزها به چندین قرن می رسیده ، محصول وحدت سیاسی ،  
وحدت فرهنگی و زبانی بوده است ، چنانکه در دوره اشکانی . از این روست که  
مشاهده می کنیم ، امروزه زبان و فرهنگ ایرانی با کمی تغییر در آن در بخش هایی از  
کشورهای همسایه نیز رواج دارد ، دوم اینکه گذشته از حواشی امپراطوری که فقط  
تابعیت صوری از حکومت مرکزی داشتند ، پایه و اساس ملیت ایرانی در هسته  
سیاسی امپراطوری ریخته شد و ایجاد یک دولت ملی از زمان پادشاهی صفویه  
صورت تحقق به خود گرفت .

بحث درباره مرزهای سیاسی ایران ، در دوران های مختلف تاریخی ، شامل  
دو بخش اساسی است ، یکی طبیعت مرزها و کجایی آنها در دوران های مختلف .

دیگری نقش مرزها و تأثیراتی که تغییر محل آنها از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی  
بر جای گذاشته است.

بررسی اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که مرزهای ایران در گذشته  
هرکجا با عوارض طبیعی مثل رود و کوه منطبق بوده، مشخص و دقیق است و تعیین  
محل آنها بر روی نقشه به سهولت انجام می‌گیرد. در سایر نقاط مسیر مرزها تقریبی  
است و به همین علت تفاوت‌های فراوانی از این نظر بین نقشه‌ها و مدارک موجود  
پیدا می‌شود. علت این موضوع را باید در طبیعت مرزها و مفهیم آنها در گذشته  
دانست. سابقاً "مرزها به وقت امروز بر روی زمین مشخص و علامت گذاری نمی‌شد  
و برعکس در بیشتر موارد مناطق مرزی حد فاصل کشور شاهنشاهی ایران را  
امپراطوری‌های همسایه تعیین می‌کردند. از طرف دیگر چون مرزها حدود و پیشروی  
هر سلسله را در مناطق اطراف مشخص می‌کرده، محل آن الزاماً نمی‌توانسته  
است ثابت باشد و نسبت به قدرت و ضعف هر سلسله تغییر می‌کرده است. بدین  
معنی که با هر پیروزی جنگی، مرزها پیشروی می‌کردند و برعکس با هر شکست مقداری  
از اراضی از دست رفته و مرزها به طرف هسته سیاسی آن سلسله عقب می‌نشستند.  
این تغییر به حدی بوده است که ماحتی بسختی می‌توانیم محل مرزها را در سراسر  
مدت زمانماداری یک سلسله ثابت ببینیم. در مناطقی هم که پیشروی یک سردار  
دلیر بدلیل برخورد با یک رود بزرگ یا کوه مرتفع به عنوان یک مانع طبیعی متوقف

می شده است، از آن رود پاکوه در تاریخ بعنوان مرز کشور شاهنشاهی نام برده شده و در این موارد، هم به آسانی می توان حد و امپراطوری رامشخص کرد و هم جنبه دفاعی اینگونه مرزها را مورد توجه قرار داد.

در گذشته هدف بعضی از سرداران شجاع دست یابی به مرزهای طبیعی دوران نیاکان خود بوده است، بهمین دلیل باورق زدن تاریخ دوهزاروپانصد ساله ایران مشاهده می شود که رودهای بزرگ سیحون و جیحون، سند و پنجاب، دجله و فرات و کوهپای قفقاز نقش مهمی در تعیین حدود مملکت داشته و مفعات مرزهای این کشور را در طرف مشرق و مغرب تشکیل می داده اند. ضمناً دریای خزر در شمال همیشه و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب اکثراً حد جنبه ای کشوری را تعیین می کرده اند. از این عوارض طبیعی گذشته در سایر قسمت های ایران جایی که خطر جدی از طرف قومی و یا تمدنی وجود نداشته تعیین مرز دقیق مطمح نظر نبوده و در عوض ایالات مرزی حدود کشور را تشکیل می داده اند. با توجه به اینکه مرز هر کشور تعیین کننده وسعت خاک آن کشور است، با تعیین محل مرزها در نقشه به تغییرات ارضی کشور خودمان در دوران های مختلف واقف می گردیم. با وجود تغییراتی که محل مرزها، طی زمانداری هر یک از پادشاهان سلسله های مختلفی که در ایران حکومت کرده اند، نموده است، امکان ترسیم و تعیین محل همه ایمن مرزها از حوصله این فصل خارج است، و ناچاره این اکتفا می شود که محل مرزهای

ایران در دوران‌های مهم عظمت و انحطاط مشخص گردید .

در زمان مادها ، در قرن هشتم پیش از میلاد ، وقتی که اولین دولت آریایی تشکیل شد ، مرزهای ایران در شمال شرق رود جیحون ( آمودریا ) و در مشرق سرچشمه های رود هیرومند ، در شمال دریای خزر و رود کورا ، در شمال غربی رود هالیس ( قزل ایرماق فعلی ) در آسیای صغیر و در غرب رود دجله و در جنوب خلیج فارس و در میان همان بوده است . ( نقشه ۱ )

گذشته از این مرزها که حدود پیشروی مادها را در مناطق غیر آریایی تعیین می کرده است باید به وجود یک نوع مرزهای دیگر هم در این دوران معترف بود و آن مرزهایی است که جداکننده ممالک تابع شاهنشاهی ماد از ایالات اصلی آن می باشد . ( رجوع شود به نقشه ۱ )

ممالک تابع در اداره امور داخلی خود کاملاً مختار بودند و فقط باخراج دادن به حکومت مرکزی تابعیت ظاهری خود را اعلام می کردند در صورتی که ایالات اصلی جزه هسته اصلی شاهنشاهی ماد بوده و از نظر اقتصادی و سیاسی نقشی کاملاً موثر داشته اند . در مدت یکصد و پنجاه سال سلطنت سلسله ماد ، مهمترین نقش مرزها ایجاد یک دولت مستقل و متمرکز بر اساس وجود یک قبیله و یک نژاد بوده است .

در شاهنشاهی هخامنشی به علت قدرت پادشاهان آن ، خاصه کوروش

کبیر و اربوش بزرگ، محل مرزهای ایران تخیلی کرده است. و شاهنشاهان ایمن  
 سلسله با پیشروی خود در امپراطوری‌های اطراف، بروسعت شاهنشاهی ایسران  
 افزودند. باین ترتیب در شمال شرقی رود سیحون و به قولی ماوراء سیحون، در مشرق  
 رود سند، در شمال غربی کوه‌های قفقاز و رود تَرک و در مغرب قسمتی از رود دانس و ب  
 و دریای سیاه از یکطرف و مهر و لیبی از طرف دیگر، حدود ایران را تعیین می‌کردند.  
 در سمت جنوب وسعت کشور از خلیج فارس گذشته و کشور شاهنشاهی سواحلی جنوبی  
 خلیج فارس و شمال عربستان را نیز در بر می‌گرفته است. (نقشه ۱)

از بررسی محل جغرافیایی مرزها در این دوره می‌توان به این نتیجه رسید  
 که، با انتخاب رودهای جدید به عنوان مرز امپراطوری در زمان هخامنشی، مسرر  
 طبیعی بآن صورت که بعضی از مورخین از آن استنباط می‌کنند نمی‌تواند در جغرافیای  
 سیاسی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر انسانها هستند که از این عوارض طبیعی  
 بنا به مصلحت خود استفاده می‌کنند و از جنبه سیاسی و دفاعی آن بهره‌برداری می‌نمایند.  
 نه این که این عوارض در طبیعت به منظور بر وجود آمده باشد، زیرا چه بسا  
 عوارض طبیعی فراوانی در طبیعت یافته می‌شود که هیچگاه مورد استفاده سیاسی قرار  
 نگرفته است.

نقش مرزهای ایران در زمان سلطنت هخامنشی از نظر اقتصادی، نظامی  
 و فرهنگی بسیار مهم بوده است. از نظر اقتصادی خراجی که حکام مرزی به خزانسه

دولت می دادند، از نظر نظامی پاسداری از مرزهای ایران توسط ممالک مرزی و اعزام قشون به مرز در موقع لزوم مهم بوده است. و از نظر فرهنگی ایرانیان به توسعه و رواج فرهنگ و تمدن ایران در منطقه بسیار وسیعی که از شرق به دامنه های غربی فلات پامیر و از غرب یونان و قرقاطحنه می رسید عملاً نشان دادند که چگونه میتوان با احترام به عقاید دینی مردم و جلوگیری از قتل و غارت و ظلم و ستم غالب بر مغلوب، دولتی مستقل بوجود آورد. و ازین گذشته مرزهای سیاسی این دوره نماینده تشکیلات منظمی بود که بر اساس قوانین و مقررات مدون تشکیل شده بود.

پس از غلبه اسکندر بر ایران و شکست دولت هخامنشی، مرزهای سیاسی دولت شاهنشاهی ایران در یک دوره کوتاه، شصت و هفت ساله جای خود را به مرزهای یونانی سلوکیه داد و بعد بتدریج با احیاء استقلال خراسان توسط اشک اول مرزهای سیاسی ایران دوباره توسعه یافت؛ تا به وسعت وحدود شاهنشاهی

اشکانی رسید. در این دوره حد شمالی را رود سیحون<sup>(۱)</sup> حد شرقی را پنجاب، حد

(۱) - در مورد مرز شمال شرقی ایران در دوره اشکانی بین منابع مختلف اختلاف هست. در تاریخ پیرنیا و تاریخ ایران در عهد باستان، تألیف دکتر مشکور و کتاب مرزهای ایران، تألیف محمد علی مخبر، رود سیحون بعنوان مرز ذکر شده در حالیکه در اطلس تاریخی رود جیحون حد شمال شرقی را تعیین می کند. چون هسته سیاسی دولت اشکانی در شرق ایران یعنی در خراسان و گرگان بوده است قاعده نفوذ ایران در این مناطق توسعه بیشتری داشته و بنظر می رسد که مرز سیحون صحیح تر از جیحون باشد.

شمالی راکوه‌های قفقاز، حد غربی رارود فرات و جنوب را خلیج فارس و دریای عمان  
ذکر کرده‌اند (نقشه شماره ۱) .

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که قسمت اعظم خاک شاهنشاهی ایران در  
زمان اشکانی احیا شد . مرزهای ایران در این دوره به دلیل برقراری حکومت  
ملوک الطوائفی از نظر ایجاد وحدت اداری نقش مهمی به عهده نداشته است .  
فقط کوشش پادشاهان این سلسله در حفظ مرزهای شرقی ایران در مقابل تهاجم  
قوم زردپوست و تحت نفوذ درآوردن ممالک مرزی ایران در برابر امپراطوری روم در  
غرب قابل تسمین است . ضمناً "طولانی بودن عمر این سلسله" ( ۷۶ سال )  
از نظر زبان و ادبیات ، موجب وحدت در این منطقه گردید ، در جهت نیل به چنین  
هدفی بود که دولت اشکانی زبان پهلوی اشکانی را ، در سراسر کشور ، زبان همگانی  
اعلام کرد و از همین زمان بود که پایه‌های فرهنگی و ملیت ایران گذاشته شد .

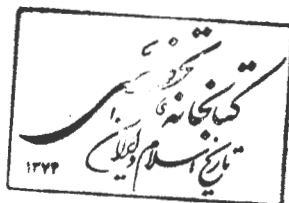
در دوره ساسانیان سرزمین‌های در سمت شمال شرقی کوچک‌تر شد و دوباره  
به جیحون بازگشت اما مرز فرهنگی کماکان تا سیحون ادامه داشت . در مشرق حدود

ایران به دست روم سند رسید ، در شمال ایران به دریای خزر و کوه‌های قفقاز کوچک

( ۱ ) - در این مورد نیز بین اطلس تاریخ و منابع دیگر از جمله اخبار الطوال دینوری  
اختلافی هست . در اینجا نیز بنظر می‌رسد که رود جیحون به عنوان مرز صحیح  
تر است تا سیحون ، چون در این دوره هدیه سیاسی و مرکز قدرت دولت  
ساسانیان در غرب ایران بوده و نفوذ ایران در شرق چندان توسعه  
نداشته و مسلماً تا سیحون نمی‌رسیده است .



محدود گردید، در حالیکه رود فرات و زمین‌های ماوراء آن حدود غربی کشور را تشکیل می‌دادند، در سمت جنوب نفوذ ایران از حدود خلیج فارس هم گذشته و شامل شمال عراق و سواحل جنوبی خلیج فارس گردید و یکبار در زمان سلطنت خسرو انوشیروان حدود متصرفات ایران در غرب تا سواحل دریای سیاه (لازیکا) نیز رسید و شهر انطاکیه در ساحل دریای مدیترانه به تصرف شاهنشاهی ساسانیان درآمد، و از طرف دیگر عربستان جنوبی (یمن) تابع ایران شد و ناحیهٔ «اکثره» نام جنوب رود جیحون با ایران تعاقب گرفت (نقشه شماره ۱). در این دوره، چنانکه ملاحظه می‌شود، دولت ساسانی بدلیل قدرتی که داشته فقط به مرزهای طبیعی پیشینیان اکتفا نکرده و به تصرف مناطق ماوراء آنها نیز دست زده است، و در نتیجه به استثناء چند منطقه، حدود ایران توسط مناطق مرزی مشخص می‌شود و تعیین خطوط مرزی مشخص کاریست دشوار. در این دوره نقش مناطق مرزی با از نظر اقتصاد و نظامی بسیار مهم بوده است. این مناطق با اطاعت از حکومت مرکزی هم خراج (نقدی و جنسی) و هم قشون به پادشاهان ساسانی می‌دادند. از نظر سیاسی در این دوره به دلیل تمرکز قدرت در دست سلسلهٔ ساسانی که هستهٔ سیاسی و پایتخت آنها در جنوب غربی ایران بود، مرکز قدرت از شرق ایران (خراسان) در دورهٔ اشکانی به غرب ایران نزدیک رود دجله انتقال یافت. به این ترتیب سرنوشت مرزهای شرقی ایران به علت فاصله زیاد با حکومت مرکزی بیشتر در دست



حکام مرزی این منطقه قرار گرفت. در این دوره با ایجاد یک حکومت مرکزی دینی که به جای حکومت ملوک الطوائفی دوره اشکانی جلوه گری می کرد اجزای مختلف امپراطوری به نحو شایسته‌یی در خدمت پیشبرد هدف های حکومت مرکزی درآمدند و دولت مرکزی با تشکیلات منظم لشکری و کشوری به حفظ و حراست سرحدات شرقی ایران در برابر اقوام زرد پوست آسیای مرکزی و سرحدات غربی ایران در مقابل اروپاییان پرداخت.

با ظهور اسلام و پیروزی اعراب بر ایرانیان گرچه بار دیگر مرزهای شاهنشاهی ایران چند صباحی از روی نقشه سیاسی جهان برداشته شد ولی فقدان آنها یک اثر ملی مهم داشت و آن کوشش خستگی ناپذیر ایرانیان برای احیاء استقلال و برقراری مجدد شاهنشاهی ایران از طریق نفوذ فرهنگی و علمی در خلافت اسلامی بود. در دنباله چنین کوششی بود که اداره کارهای مهم خلفای اسلامی به دست ایرانیان افتاد و ایرانیان از این طریق عملاً فرهنگ و تمدن خود را به اعراب تحمیل کردند. تمام هایی که بعداً توسط ابو مسلم خراسانی و اسحاق سیم در خراسان و اسپهبد فیروز معروف به سندهاد گبر در ری و هاشم بن حکیم معروف به المقنع در ماوراء النهر روی داد فقط جنوه مناسی بود از زنده بودن ملیت ایرانی که در مدت حکومت عرب مانند آتش زیر خاکستر باقی مانده بود به تدریج پیدایش سلسله های مختلف ایران که هر یک در گوشه‌یی از خلافت اسلامی علیه اعراب قیام کردند

باعث بوجود آمدن دو نوع مرز سیاسی شد . یکی مرزهای داخلی بین سلسله‌های ایرانی و دیگر مرزهای سیاسی ملی که حد فاصل بین قلمرو اعراب و ایرانیان را تشکیل می‌داده است . بنابراین بررسی و مقایسه نقشه‌های ایران در دوره‌های طاهریان ، صفاریان ، ساعانیان ، آل زیار ، آل بویه مارا به این نتیجه می‌رساند که در یک دوره قلمرو چهار سلسله آل زیار ، آل بویه صفاریان و ساعانیان در جوار یکدیگر قرار داشته ( نقشه شماره ۲ ) و مرزهای این سلسله‌ها را از هم جدا می‌کرده است . در حالیکه هر یک از این سلسله‌ها به تنهایی کوشش می‌کردند که به هدف اصلی خود که فتح بغداد و سرکوب کردن خلفای عرب بود برسند . این سلسله‌های کوچک گرچه با تمام کوشش‌هایی که کردند هرگز موفق به احیاء مرزهای زمان هخامنشی و ساسانی نشدند ولی از جهت ایرانی بودنشان و اینکه به تشریح و حمایت سمرائونویسندگان و دانشمندان ایرانی می‌پرداختند و مشوق و محسوس تصنیف و تألیف کتاب‌های متعدد به زبانهای فارسی در رشته‌های مختلف شدند . حائز اهمیت هستند . در دوره غزنویان خاصه در زمان سلطنت سلطان محمود ایران دوباره وسعت یافت ، در طرف شمال شرقی رز جم چون قسمتی از رزرا تشکیل داد و در مشرق رود سند و ماوراء آن حد دره شرقی ایران را تسخیر می‌کرد . از طرف جنوب متصرفات غزنویان به ساحل دریای عمان می‌رسید در حالی که کرمان ، فارس ، لارستان و خوزستان هنوز در دست آل بویه بود و در شمال ایالات جنوبی دریای

خز مدتها در دست خاندان آل زهرا بود تا در سال ۴۳۳ هجری قمری که با لاخره بدست غزنویان افتاد ( نقشه شماره ۲ ) .

ترکمانان سلجوقی که بعد از غزنویان به قدرت رسیدند و سلسله سلجوقیان را تشکیل دادند با اجازه سلطان محمود از رود جیحون گذشته و در شمال خراسان سکونت اختیار کردند و بعد به تدریج از ضعف پادشاهان آخری غزنوی استفاده کرده و با اشتغال به سایر امور به دگرگان و طبرستان و بالاخره جنوب و غرب ایران سران دولت مقداری تشکیل دادند که وسعت آن از غرب تا دریای مدیترانه و سرحدات روم شرقی و حدود متصرفات خلفای مصر و در شمال شرقی تا رود سیحون می رسید ، متصرفات سلجوقیان در جنوب شرقی با قلمرو غزنویان در سیستان و بلوچستان هم مرز بود ( نقشه شماره ۷ ) .

سلجوقیان از اواسط قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم در ایران حکومت کردند ، و از پادشاهی ملک شاه به بعد سلسله های مختلفی تشکیل دادند که مترادف سلاجقه بزرگ ، سلاجقه عراق و سلاجقه کرمان را باید نام برد . نقش مرزهای زمان سلجوقی را بیشتر باید از نظر نفوذ نژاد ترک خاصه ورود بعضی از لغات ترکی در زبان و ادبیات ایرانی مورد توجه قرار داد . خوشبختانه در این دوره نیز مثل زمان تسلط اعراب چین تمام امیرمملکتی توسط وزیران ، دبیران و رجال ایرانی اداره می شد پادشاهان ترک زبان سلجوقی تحت تأثیر افکار ایرانیان قرار گرفته و به

تشویق و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی همت گماشتند و در همین دوره به سود کسبه نظام‌الملک طوسی و زیرمعمروف سلجوقیان به تأسیس دانشگاه‌های معروفی تحت عنوان نظامیه در نقاط مختلف مملکت همت گماشت.

در سال ۵۹۰ هجری قمری طغرل سغ آخرین پادشاه سلاجقه عراق به دست سلطان علاءالدین تکش، که بر خراسان مملکت شده بود، کشته شد و متصرفاتش بدست سلسله خوارزمشاهیان که از خوارزم برخاسته بودند افتاد و بدین ترتیب سلسله سلجوقی جای خود را به سلسله خوارزمشاهیان داد. حدود متصرفات خوارزمشاهیان از شمال شرقی به سیحون و دریاچه آرال، از شرق به رود سند و از جنوب به دریای عمان می‌رسیده است. از جنوب و مغرب حکام محلی این مناطق مثل اتابکان فارس و آذربایجان ضمن دارا بودن خود مختاری انبیا شاهان خوارزمشاهی اطاعت گونه می‌داشتند و فقط در زمان سلطنت سلطان جلال‌الدین حدود قلمرو این سلسله در شمال غربی تا گرجستان توسعه یافت ولی بغداد هیچ‌زمان به تصرف سلسله خوارزمشاهیان در نیامد. بنابراین گذشته از حدود شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی مرزهای ایران توسط مناطق مرزی که هر یک دارای حاکم خود مختار بودند محدود می‌شد.

با ظهور قوم مغول که از مغولستان برخاسته بودند ایران و بعد هم حکومت خلفای عباسی یکی بعد از دیگری به زیر نفوذ آنها درآمد و بعد از حمله هلاکو خان

به ایران که بمنظور فتح قلاع اسماعیلیه و برانداختن حکومت ههاسی انجام گرفت  
 جانشینان وی سلسله مستقل ایلخانیان را در ایران تشکیل دادند . قلمسرو  
 ایلخانان از طرف شمال شرقی توسط رود جیحون محدود می شد . در حقیقت  
 رود جیحون حد متصرفات این سلسله را با متصرفات جانشینان جهتای فرزند  
 چنگیز که شامل ماوراء النهر و ترکستان شرقی و غربی بود تشکیل داد . از طرف  
 جنوب شرقی مرحدات ایران به رود سند و ناحیه پنجاب می رسید . از طرف غرب  
 رود فرات حدود متصرفات ایلخانان را تشکیل می داد . در شمال غربی ایلخانان  
 بعد از انقراض سلاجقه روم مرحدات کشور خود را به حدود قلمرو دولت روم شرقی  
 رسانیدند . در شمال نیز حدود متصرفات ایلخانان ایران تا دربند گرجستان  
 می رسید و این مناطق مرز بین قلمرو ایلخانان از یک طرف و سرزمین جانشینان جوجی  
 را از طرف دیگر تشکیل می دادند . ( نقشه شماره ۲ )

در این دوره باید از وجود مرزهای دیگری هم آگاهی داشت که جداکننده  
 سلسله های محلی مستقل از ایالات اصلی بود . برای مثال میتوان آل کورت در هر  
 قور و غرجمستان و قراخانیان کرمان اتابکان بزرگ و کوچک در سرزمین بختیساری  
 و لرستان ، حکام محلی هرمز و ملوک شبانکاره و حکام لاریان نام برد . در سیستان  
 فرمانروایان محلی از جانشینان صفاریان بودند در گیلان نیز حکام محلی درمازندران  
 خانواده باوندیان و پادوسپانان در نواحی کوهستانی حکومت می کردند . نقش

مرزهای ایران در زمان حکومت ایلخانان مغول از نظر ملی حائز اهمیت نیست ، چون در حقیقت نمایندۀ توسعه قدرت قومی بهگانه در ایران است و برعکس چه در این دوره وجه دردورهای بعد ، نقض مرزهای داخلی که جداکنند حکومتهای محلی ایرانی است یعنی آنانی که ظاهراً از حکومت مغولی ایلخانان اطاعت می کردند ولی در داخل به ترویج و توسعه تمدن و فرهنگ ایران می پرداختند . مهمتر است . بین سلسله های مختلف محلی اتابکان فارس بخصوص آل مظفر که نزدیک به ۸۰ سال ( ۷۱۸ تا ۷۹۵ هـ . ق ) با زمین بردن حکومت های محلی جنوب و جنوب غربی ایران زمامداری کردند بدلیل اهمیتی که به شعروادب فارسی می دادند و در زمان آنها شعرائی مثل سعدی و حافظ روی کار آمدند قابل ذکر است . اینها بودند که با وجود تمام عدماتی که خطه مغول و ایرانی های حاصل از این حمله به ایران وارد آورد هسته اصلی ملیت ایران را محافظت کردند .

باحمله تیمور به ایران و ایجاد سلسله تیموریان حکومت ملوک الطوائفی دوره مغول تا حدودی از میان رفت و قسمت اعظم ایران زیر تسلط یک حکومت مرکزی قرار گرفت . در زمان شاهرخ حدود ایران در جنوب شرقی تا مواجیل رود سند در مشرق کوههای سلیمان و در شمال سمرقند تا ماوراء النهر رسید . در حالی که حدود غربی ایران را آذربایجان و بین النهرین تشکیل می دادند . در زمان تیموریان نیز مانند اغلب سلسله های ایرانی در گذشته بعد از مرگ یک شاه مقتدر

بین جانشینان وی اختلاف روی داد و تکرار تهاجمی محلی مختلف، قد علم کرد ما عالم  
 استقلال کردند . در این دوره ابتدا خاندان قراقویونلو و بعد آق قویونلو یکی پس  
 از دیگری با هم به مبارزه پرداخته و قسمت هایی از حکومت تیموریان را به تصرف  
 درآوردند . رویهمرفته در مدت سه قرن ( قرن ۷ تا ۱۰ هجری قمری ) که از  
 زمان حمله مغول تا زمانی که جانشینان تیمور در ایران حکومت کردند گذشت به  
 دلیل اینکه حکومت در دست بیگانگان بود که از آسپای مرکزی برخاسته بودند  
 و زبان و فرهنگ متفاوتی با ایران داشتند و این با روحیه ملی ایرانی سازگاری نداشت  
 و ایرانیان حاضر به اطاعت صدر در صد از حکومت بیگانه نبودند و وجود حکومت ملوک  
 الطوائفی از خصوصیات این دوره بشمار می رود و مرزهایی که بین ایران و کشورهای  
 همسایه وجود داشته فقط از جهت تعیین کننده حدود توسعه فرهنگ و  
 تمدن مغولسی بوده مهم است . البته تغییراتی را که در زبان و فرهنگ ایران در این  
 دوره در اثر حمله مغول و تیموریان پدیدار گردید نمی توان از نظر دور داشت و این  
 تغییرات بیشتر در محدوده زمین رود سند ، جیحون ، فرات و کوههای قفقاز بوده  
 است .

با ظهور سلطه صفویه توسعه مرزهای ایران در جهت های مختلف بعد  
 از قرن ها حکومت بیگانه اولین دولت ملی بوجود آمد . پادشاهان صفوی سعی  
 داشتند که عظمت گذشته ایران را دوباره احیا کنند و وسعت ایران به وسعت



زمان ساسانی نزد يك شد و با ایجاد يك حكومت مركزي ملی مرزهای سیاسی معنای واقعی خود را یافت. ( مراجعه شود به نقشه ۳۵ ) .

در این زمان حد شمال شرقی ایران را رود جیحون تعیین می کرد و این رود مرز بین ایران و قلم ترک زبان ازبک بود ، در مشرق ، قندهار و ایالت کسلاط مناطق مرزی ایران را بادولت گیرخانی هند تشکیل می داد . در شمال غربی ، سروان و داغستان و گرجستان جزو مناطق مرزی بوده و اکثراً از دولت مرکزی ایران اطاعت می کردند . در حالیکه ارمنستان جزو آن دسته از ممالک مرزی بود که بیشتر از دولت عثمانی اطاعت می کرد ، با وجود اینکه دوشمروان و بدلیس مدت ها در تصرف ایران بود . فقط در زمان پادشاهان آخر سلسله صفوی بغداد و عراق به طور کلی به دست دولت عثمانی افتاد . ( نقشه شماره ۳ )

در این دوره حفاظت و نگاهداری از مرزهای شرقی و غربی ایران در برابر حمله ازبکان و عثمانیها از برنامه های مهم دولت بود و با وجود حکومت مرکزی قوی که تسلط کامل خود را بر حکومت های محلی و حکام مرزی تثبیت کرده بود وضع تجارت و روابط سیاسی خارجی نیز در این دوره رونق گرفت .

در زمان سلسله افشاریه خاصه زمان سلطنت نادرشاه افشار سرحدات ایران از جهاتی به حدود مرزهای سلطنت هخامنشیان رسید . در شرق مسرر ایران از رود سند هم گذشت و به پنجاب و به دهلوی رسید . در شمال شرقی ، رود

چگونگی مرز ایران را تشکیل می داد . در شمال غربی قفقازیه که در زمان فتنا افغان در دست روسها بود به ایران برگردانده شد و حد شمال غربی ایران را در سیساره کوههای قفقاز تشکیل می داد و حد غربی ایران مدتها به رود دجله می رسید .  
( نقشه شماره ۲ )

در زمان نادرشاه حفظ و حراست مناطق مرزی حساس جز سیاست دولت مرکزی قرار گرفت و به همین منظور عده ای از کردها که مردمی غیر و شجاع بشمار می رفتند از غرب ایران به سرحدات شمال شرقی ایران کوچ داده شدند که بهتر بتوانند در برابر هجوم ازبکها مقاومت کنند .

در دوره بعد از نادرشاه بدلیل برقراری حکومت ملوک الطوائفی و خانخانی بار دیگر سرزمین ایران دستخوش اختلافات و مبارزات سیاسی بین سرداران مختلف گردید مثلاً در زمان حکومت زند به حکام مختلفی در ایران حکومت می کردند به همین ترتیب که حکومت زند به که پایتخت آن شیراز بود و بیشتر نواحی جنوب و جنوب غربی ایران را در زیر تسلط داشت ، در خراسان با حکومت شاهرخ شاه در قندهار و هرات و حکومت احمدخان درآسی در مشرق با ایالات سند و خانهای بلوچ و در شمال غربی با دغستان هم مرز بود . در این دوره نیز باید به نقش مرزهایی که حکومت های محلی را از یکدیگر جدا می کردند بیشتر توجه داشت ، چون همین مرزها در دوره قاجار با بد حالت بیگانگان و در نتیجه ضعف حکومت مرکزی مقدمه جدایی نواحی مختلف

## ایران را فراهم آوردند .

### مرزهای تئری ایران کی و چگونه بوجود آمد ؟

مرزهای ایران امروزی اکثراً در دوره قاجاریه یعنی قرن ۱۳ هـ.ق ( قرن ۱۹ میلادی ) بوجود آمده است. با توجه به وضع مرزهای ایران در دوران های مختلف تاریخی که در صفحات گذشته به آنها اشاره شد. ایران امروزی فقط بخشی است از ایران بزرگی که مرزهای آن در قسمت اعظم تاریخ دویزهزار و انصد ساله اش رود های سیحون و سند از شمال شرقی و مشرق و رود فرات در مغرب و کوه های قفقازیه در شمال غربی تشکیل می داده است. مرزهای فعلی ایران در زمان قاجاریه در اثر شکستی که ایران در جنگ های باروسیه از یک طرف و دولت عثمانی از طرف دیگر و دخالت کشورهای مثل انگلیس که منافع خود را در مشرق ایران خاصه در هندوستان یافته بودند بوجود آمد . بدین ترتیب که مرز شمال غربی ایران در مغرب دریای خزر پس از شکست ایران از روسیه و در نتیجه عقد معاهده های گلستان و ترکمن چای ( ۱۲۴۳ هـ.ق ) تعیین شد. و با برقراری مرز بر روی قسمتی از رود ارس و دست مغان بخش بزرگی از آن را بیجان ایران به روسیه داده شد . این مرز در ابتدا مرزی تحمیلی بود که یک عده ایرانی را از اقوام و خویشان خود جدا می کرد . در اینجا در این مرزها نه تنها ضعف پادشاهان قاجاریه ، بلکه وجود حکام مرزی که مصالح

قومی افرادی امیال شخصی خود نمودند بسیار موثر بوده است. مسیر مرزهای غربی ایران اصولاً طبق مواد معاهده ارزرم ( ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۶۲ هـ. ق ) که در آن گذشته از ولت‌های ایران و عثمانی نمایندگان دو دولت روس و انگلیس هم شرکت داشتند ، تعیین گردید ، و بعد از ایجاد تغییرات مختصری که با تصویب پروتکل استانبول ( ۱۹۱۳ ) در آن داده شد در سال ۱۹۱۴ بر روی زمین علامتگذاری گردید .

بعد از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراطوری عثمانی با وجود آمدن دو دولت ترکیه و عراق ، ایران در غرب خود راه‌ها و کشور جدید هم مرزیافت . چون مواد پروتکل استانبول در قسمت شط العرب همیشه مورد اعتراض ایران بود با وجود آمدن دولت مستقل عراق دولت ایران موقع را مناسب دید که نظر خود را در مورد قرارداد آن مرز در امتداد خط تالوگ شط العرب اعمال نماید . چون دولت جدید عراق با تمام قولهایی که می‌داد و در عمل قدمی در جهت منافع ایران برنداشت<sup>ش</sup> روابط دو کشور تیره شده و تصادمات کوچک مرزی باعث شد که دولت عراق به جامعه ملل متفق شکایت کند . پس از طرح موضوع در جامعه ملل قرار شد که دولتین در خارج از جامعه به حل اختلافات خود پرداخته و اگر موفق نشدند دوباره مورد دعوا را با جامعه برگردانند . پس از نشست و برخاست و ملاقاتهای متعدد سیاسی دولتین موفق به عقد قرارداد جدیدی شدند که در آن فقط در

مقابل بندر آهادان (حدود ۵ میل) مرز در امتداد خط تالوگ قرار گرفت. این عهدنامه که به قرارداد ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) معروفست شامل ۶ ماده و یک پروتکل ضمیمه بود و ماده ۳ و ۵ آن چگونگی استفاده مشترک از آب شط العرب و حفظ و بهبود این راه مهم آبی و بالاخره چگونگی اخذ عوارض و نحوه استفاده از آن بطور دقیق تشریح گردیده بود.

در ماده ۳ از پروتکل ضمیمه نیز صریحا آمده بود که دولتین باید در مدت یکسال از تاریخ اجرای این عهدنامه قراردادی را که به موجب ماده ۵ آن پیش بینی شده است منعقد سازند و هرگاه با وجود بذل مساعی طرفین قرارداد مذکور در ظرف مدت یک سال بامضا نرسید، طرفین می توانند این مدت را با موافقت یکدیگر تمدید کنند.

در ظرف یکسال مذکور در قسمت اول این ماده و همچنین در ظرف مدت تمدید (اگر تمدید به عمل آید) دولت پادشاهی عراق اجرای تمام مسائل مربوط به قرارداد مزبور را بر اساسی که فعلا معمول است به عهده خواهد گرفت و دولت شاهنشاهی ایران راه ۶ ماه یکبار در جریان کارهای انجام یافته و وجوهی که گرفته شده و مخارجی که بعمل آمده و هر نوع اقدام دیگری که مجری شده خواهد گذاشت.

بعد از امضا قرارداد، دولت عراق با گذشت زمان از انجام تعهدات خود

در مورد مواد ۳ و ۵ عهدنامه و ماده دوم پزوتکل ضمیمه بد لایحه سره باز زد و به ایمن ترتیب کمیسیون مشترکی که باید برای انجام قرارداد تشکیل می شد، هرگز موجودیت نیافت و با وجود بکه بیش از ۷۰ درصد از عوارض گرفته شده از کشتیهای کسه از شط العرب عبور می کردند انحصاراً در بنادر ایرانی لنکر می انداختند دولت عراق از ارائه گزارش در مورد چگونگی مصرف این درآمد خودداری می کرد و به همین علت دولت ایران پس از ۲۲ سال کوشش در اجرای مواد قرارداد منبوج در ۲۲ اسفند سال ۱۳۴۷ ضمن ارسال نامه ای به وزارت خارجه عراق معاهده منبوج را کان لم یکن اعلام نمود. باین ترتیب مسأله اختلاف مرزی بین ایران و عراق در شط العرب تا سال ۱۳۵۳ به قوت خود باقی بود، تا اینکه در کنفرانس الجزایر که در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ در الجزیره تشکیل شد مقدمات رفع اختلافات بین ایران و عراق در همه جنبه ها خاصه در مرز شط العرب فراهم گردید و در دنبال آن در فروردین ۱۳۵۴، دولت ایران به هدف نهایی خود که انتخاب خط تالوگ به عنوان مرز ایران و عراق در شط العرب بود نائل گردید و اعلام مرزی طبق مسیر جدید مرزی نصب شد.

مرزهای شمال شرقی ایران در مشرق دریای خزر همانند مرزهای غربی دریای خزر پس از قیام عده ای از حکام مرزی و با دخالت روسیه و ضعف حتی دولت مرکزی زمان قاجاریه طبق معاهده ۲۹ محرم ۱۲۲۹ ه. ق. با روسیه تعیین شد. در این معاهده ترکستان و ماوراءالنهر بسیاری از مناطقی که در دوره های گذشته

اکثراً از دولت شاهنشاهی ایران اطاعت می‌کردند به روسیه تعلق گرفت و ورود اترك و دامنه‌های کوه‌های کپه داغ تا سرخس مرز ایران و دولت روسیه را تشکیل داد .

مرز شرقی ایران بعد از امضای عهدنامه پاریس وجد شدن خاک هرات و ممالک افغانستان از ایران بوجود آمد . ( رجب ۱۲۷۳ هـ . ق . ) . چون در این عهدنامه تصریح شده بود که اگر اختلافی بین ایران و افغانستان روی دهد دولت ایران باید از توسل به زور خودداری کرده و حل اختلاف را به اهتمام دوستانه دولت انگلیس واگذار نماید . در موقع تعیین مسیر مرز دولت ایران ناچار شد از دولت انگلیس تقاضای حکمیت کند . به این ترتیب مرز بین ایران و افغانستان که بطول ۸۱۵ کیلومتر از هانه زوالفقار ( عرض ۲۵ درجه و ۳۷ دقیقه شمال ) شروع و تا کوه ملك سیاه ( عرض ۲۹ درجه و ۵۰ دقیقه شمال ) ختم می‌گردد توسط سه حکمیت مختلف تعیین شد . منطقه‌یی که بین زوالفقار و هشتادان قرار دارد توسط حکمیت ژنرال مک‌لین ( Mclean ) تعیین مسیرو علامت گذاری شد ( ۱۳۰۸ ق و ۱۸۹۱ م . ) منطقه واقع در سیستان ، بین کوه ملك سیاه تا سیاه کوه ، توسط ژنرال مک‌ماهون تعیین شد ( ۱۳۲۳ هـ . ق - ۱۹۰۵ م . ) و بالاخره مرز واقع در منطقه دشت ناامید بین سیاه کوه و هشتادان توسط حکمیت فخرالدین آلتای ( ۲۴ - اردیبهشت ۱۳۱۴ برابر ۱۵ مه ۱۹۳۵ ) تعیین شد . چون در منطقه سیستان طبق حکمیت مک‌ماهون قسمتی از سفلی رود هیرومند مرز بین دو کشور را تشکیل

می‌دهد و این رود به طت طبیعت خاص منطقه که معلول فرسایش شدید بادی ( بارهای ۱۲۰ روزه ) و خشکی هواست، هر چند گاهی بطور ناگهانی تغییر مسیر می‌دهد خط مرز مسائلی بوجود آورده که بعضی از آن ناشی از تغییر مسیر رود است و بعضی دیگر مربوط به چگونگی استفاده از آب رود هیروند در قسمت علیا توسط کشور افغانستان است . بابت تغییر مسیر رود خانه د و دولت ایران و افغانستان ناچار بودند مسوومرمرز را هم تغییر داده و مجدداً علامت گذاری کنند . از طرف دیگر استفاده بی‌رویه از آب رود و تأسیس سد و کانالهای آبیاری در قسمت علیا باعث شده که آب رود خانه در قسمت سفلی خاصه در منطقه سیستمستان در فصل تابستان بسیار کم و گاهی بکلی خشک گردد و این موضوع لطمه جبران ناپذیری به کشاورزان منطقه وارد کرده و اغلب باعث کوچ این مردم به سایر نقاط کشور شده است . به دلایل فوق مشکل مرزی بین ایران و افغانستان در منطقه سیستمستان و در امتداد سفلی رود هیروند همچنان لاینحل مانده و دولت برای هر طرف کردن این مسأله مشغول انجام مذاکرات می‌باشد . در منطقه بلوچستان ابتدا مسیر خط مرز طبق معاهده‌هایی که بین ایران و انگلیس در سالهای ۱۸۹۶ و ۱۹۳۳ به امضاء رسید تعیین گردید و قسمتی از بلوچستان بزرگ تحت عنوان بلوچستان انگلیس از ایران جدا شد . در اینجا بازم قیام خانهای محلی و تحریکات دولت انگلیس باعث بوجود آمدن مرزی شد که قسمتی از خاک ایران را از ایران جدا

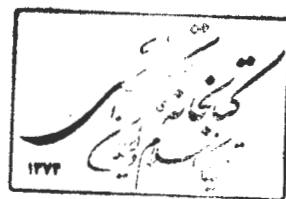


می‌کرد بعد از به وجود آمدن دولت مستقل پاکستان در تیرماه ۱۳۲۷ شمسی برابر با ۱۹۴۸ میلادی قرارداد های مرزی مجدداً به تصویب دولتین ایران و پاکستان رسید و طبق ماده اول آن خط مرز بین ایران و پاکستان از خلیج گواتر تا کوه ملك سیاه تعیین شد .

نقش مرزهای امروز ایران مثل تمام مرزهایی که در چند قرن اخیر بوجود آمده بسیار دقیق و مشخص است : اولاً " مرزها اکثراً تثبیت شده است و توسط علائمی بر روی زمین مشخص شده و عبور و مرور از آن طی تشریفات خاصی انجام می‌گردد . بجز چند منطقه مرزی که وضعی نامشخص و مبهم دارند بقیه خطوط مرزی ایران به علت تفاهم و روابط دوستانه با کشورهای همسایه نقش خود را در گردن ملت‌ها از یکدیگر به خوبی ایفا میکنند و اگر ابتدا به صورت مرز تحمیلی بوجود آمده‌اند ولی امروزه مشخص ملیت ایرانی از غیر ایرانی میباشند . مسائل مرزی در غرب ایران خاصه در قسمت شط العرب با برقراری روابط دوستانه بین ایران و عراق و قرارداد الجزایر بصورت مطلوبی حل شده ولی در مشرق ایران اشکالات حاصله از تقسیم آب هیرمند هنوز کاملاً مرتفع نشده و امید می‌رود که بزودی دولت ایران و افغانستان در مورد راه حل منصفانه‌یی که مورد قبول هر دو کشور باشد متوافق برسند .

مرزهای دریایی ایران : کشور ایران از طرف شمال به علت مجاورت با

دریای خزر ( ۶۴۰ کیلومتر ) و از طرف جنوب به علت مجاورت با خلیج فارس و دریای



عمان ( ۱۷۶۰ کیلومتر ) مرزهای دریایی دارد . چون مرز دریایی يك کشور — ساحل دریاخت نمی شود و طبق قوانین و حقوق دریایی بین الملل هر کشوری می تواند بر مقداری از آب مجاور خود حق حاکمیت کامل داشته باشد . بنابراین کشور ایران در خلیج فارس و دریای عمان طبق اصلاح قانون آبهای ساحلی که در فروردین سال ۱۳۳۸ به تصویب رسید ادعای ۱۲ میل دریایی از آبهای ساحلی خود را دارد .

بنابراین مرز دریایی ایران در این آبها بر اساس خط مبدا<sup>۱</sup> که از اتصال نقاط انتخابی ایران بر ساحل بوجود آمده ۱۲ میل دریایی خواهد بود ضمناً بهره برداری از منابع نفتی سکوی ساحلی ( فلات قاره ) ایران در خلیج فارس طبق قانون اکتشاف<sup>۲</sup> و بهره برداری از منابع طبیعی فلات قاره که در ۲۸ خرداد ۱۳۳۴ به تصویب رسید از سال ۱۹۵۷ شروع گردید ، و چون خلیج فارس به علت عمق کم بین کلبه کشورهای خلیج فارس مشترک است مراحل تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان ، ایران و بحرین ، ایران و قطر ، ایران و عمان و ایران و امارات متحده عربی تکمیل گردیده و قرارداد هایی بین کشورهای مذکور بسته شده است ، و فقط اختلافات<sup>۳</sup> بین ایران و عراق و ایران و کویت در مورد تحدید حدود سکوی ساحلی هنوز باقی مانده است .

در مورد حق انحصاری ماهیگیری در خلیج فارس و دریای عمان اخیراً

( ۱ ) — يك میل دریایی برابر ۱۸۵۲ متر است .

دولت ایران يك پهنه ۵۰ میلی از ساحل دریای عمان رابه ماهیگیری خود اختصاص داده و این حد در خلیج فارس منطبق بر مرز جدید حدود فلات قاره بین ایران و دیگر کشورهای خلیج فارس خواهد بود. در مورد دریای خزر که درهائی است بسته مرز دریایی ایران مشمول مقررات دریاهای آزاد نمیگردد و بنا بر این طبق قرارداد هایی که تاکنون بین دولت ایران و شوروی در مورد دریای خزر بسته شده ( قرارداد مودت اسفند ۱۲۲۹ ه.ش. مطابق با ۱۹۲۱ میلادی و قرارداد بازرگانی و بحریهائی فروردین ۱۳۱۹ برابر با مارس ۱۹۴۰ میلادی حق کشتیرانی آزاد در آب دریای خزر بطور مساوی بهر دو کشور داده شده است. در مورد حق ماهیگیری ساحلی نیز ( طبق معاهده ۱۹۴۰ يك باند ده میلی در شمال دریای خزر به ماهیگیری شوروی و يك باند ده میلی در امتداد جنوب دریای خزر به ماهیگیری انحصاری ایران اختصاص داده شده است. در سال ۱۳۳۸ موقعی که قانون اصلاح آبهای ساحلی به تصویب رسید باند ده میلی ایران به ۱۲ میل افزایش پیدا کرد.

-----

-----

---

